

# زنان

## جشنواره فجر با عینک زنانه

بررسی آثار جشنواره فجر بانگاهی به موضوعات و شخصیت‌های زنانه

نقیسه طهوری

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی

شبنم قربانی برنده سیمرغ بهترین بازیگر نقش مکمل زن به همراه فرزندش روی صحنه گرفته تا شعر خوانی مارال بنی آدم با مضمون زن و مادری هنگام دریافت جایزه، همگی حاوی این پیام برای مخاطب است که خانواده برای ما مهم و ارزشمند است.

در جشنواره فجر امسال اگرچه حضور زنان فیلمساز از همیشه کمتر بود و آنسبه شاه حسینی با فیلم «دست ناپیدا» تنها کارگردان زن حاضر در جشنواره چهل و دوم بود، اما اختتامیه جشنواره پر بود از سکانس‌هایی که زنان بداهه و بدون کارگردانی آن را خلق کردند. از حضور

از یک پرونده قضایی واقعی به مضامینی چون آسیب‌های اجتماعی دوران جوانی، فروپاشی خانواده، لزوم توجه خانواده به ارتباط صمیمی با فرزندان و نیز دقت به روابط آنها در خارج از خانه می‌پردازد.

در این فیلم همزمان که تلنگری به نقش عاطفی پدر در ارتباط با خانواده می‌زند ما را با زنانی مواجه می‌کند که تصمیمات شخصی‌شان، زندگی فرزندان‌شان را تحت الشعاع قرار داده؛ از مادری که در زمان کودکی فرزندش طلاق گرفته و حالا پسرش به جرم قتل محکوم به اعدام است، تا مادر مقتول که روابط فرزندش را از همسر پنهان می‌کند و بعد از کشته شدن دخترش، همسرش را ارمقصر همه مشکلات پیش آمده می‌داند.

مرور فیلم‌های جشنواره فجر حاکی از آن است که در سال‌های اخیر بستری از سینمای اجتماعی با

خویشترن. استقلال کلید واژه‌ای است که شخصیت زن فیلم مرتب تکرار می‌کند اما با انتخاب مسیر اشتباه هرچه پیش می‌رود از آن دورتر می‌شود. رها شدگی و نادیده گرفته شدن کودک تا جایی که در آخرین سکانس فیلم وقتی پدر و مادر شب هنگام به خانه برمی‌گردند حتی متوجه نبودن او در منزل نمی‌شوند؛ گویا فیلمساز قصد دارد به مخاطب بگوید این است سرنوشت پدر و مادرهایی این چنین که برای ساختن آینده فرزندانشان، نیاز اکنون آنها را فراموش می‌کنند.

### زنان خنثی در فجر

میان دو سرطیف خانواده از «آغوش باز» تا «نپتون» در سایر فیلم‌ها، زنانی را می‌بینیم که عمدتاً نقش‌های خنثی دارند.

نقش همسر شهید زین الدین در فیلم «مجنون» که

فیلمساز از فضای زنانه است. اینجاست که می‌توان به این نتیجه رسید که به تصویر کشیدن فضای زنانه لزوماً با فیلمسازی زنان محقق نمی‌شود. کما اینکه تصویری که تنها فیلمساز زن حاضر در جشنواره فجر امسال از زن به روی پرده می‌برد تصویری مطلوب از زن ایرانی نیست و صرفاً با دیالوگ‌های شعار زده و اغراق آمیز شبیه به رویکرد فمینیسم ایرانی تقابلی زنانه - مردانه ساخته است و با وجود دغدغه مند بودن کارگردان اما چندان قابل دفاع از آب در نیامده است. فیلم «آغوش باز» از این منظره که برخلاف بسیاری از فیلم‌هایی که در ژانر اجتماعی ساخته می‌شوند و با تمرکز بر معضلات خانواده مانند خیانت، ازدواج سفید، طلاق عاطفی و... تصویری سیاه، مخدوش و غیر قابل اصلاح از جامعه امروز نشان می‌دهند، نگاهی سالم و در عین حال آسیب شناسانه به مسائل خانواده داشته

### آغوش باز برای خانواده

فیلم‌های جشنواره امسال اما روایت‌های متفاوتی از زن، خانواده و مادری داشتند. فیلم «آغوش باز» ساخته بهروز شعبانی را شاید بتوان به لحاظ مضمون، خانواده محورترین فیلم جشنواره چهل و دوم دانست. «آغوش باز» روایتی است از سه زوج در سه فصل از زندگی خانوادگی، یکی در بهار و آغاز زندگی، دیگری در میانه راه و تابستان و زوج دیگری پاییز زندگی مشترک را تجربه می‌کنند. دوربین مدام بین این سه فصل در رفت و آمد است و تقابل و تفاوت فضای آشفته زندگی جوان تر و آرامش حاکم بر زندگی سال خورده تر را به نمایش می‌گذارد، تقابلی که خودش رانه تنها در فضای کار و زندگی، که در کنش و تعهد آنها به یکدیگر نشان می‌دهد. کارگردان با کنار هم قرار دادن و ایجاد تقابل در عشق به عادت تبدیل شده در زوجی که در میانه راه هستند با رابطه



موضوع زنان توجه بسیاری از سینماگران را به خود معطوف کرده است. جشنواره فجر امسال نشان داد که سینمای ایران ظرفیت پرداختن عمیق به موضوعات مهمی مانند زن و خانواده را دارد. اما آنچه به صورت ویژه باید مورد توجه قرار گیرد، سهم و تأثیر «نگاه زنانه» در این آثار است. چرا که به شناخت نزدیک تری از واقعیت زندگی زنان در جامعه و فهم نیازهای آنان کمک می‌کند. همچنین می‌تواند به آگاهی بخشی در مورد مسائل زنان و خانواده و ایجاد زمینه گفت و گو و تبادل نظر منجر شود و مسئولان را به اتخاذ تدابیر لازم برای حل این مشکلات ترغیب نماید و در سیاستگذاری‌ها در مورد زنان و خانواده تأثیرگذار باشد.

چهل و دومین جشنواره فیلم فجر، دریچه‌ای به سوی تنوع روایت‌ها و نگاه‌ها به زن و خانواده در سینمای ایران و فرصتی برای بازاندیشی در مورد نقش و جایگاه زنان در جامعه و خانواده بود. با وجود همه کاستی‌ها و چالش‌ها، امید به آینده‌ای روشن برای فیلم‌های خانواده محور در سینمای ایران وجود دارد.

در چند سکانس محدود از او عبور می‌شود متأسفانه تصویری سطحی و حاشیه‌ای است. او در ابتدا زنی شیفته و عاشق و مطیع همسر است که بعضاً حتی جلوه‌های اغراق آمیزی از محبت از او به تصویر کشیده می‌شود. اما ناگهان به شکلی غیرمنطقی از شهید زین الدین طلبکار می‌شود. در فیلم «احمد» نیز تنها زنی که در فیلم نقش قابل توجهی دارد پزشکی است مستأصل و در مانده که مشغول مداوای بیماران زلزله زده است و در اواخر فیلم مشخص می‌شود همسر و فرزندش زیر آوار مانده‌اند و او به خاطر اولویت دادن به وظیفه شغلی اش آنها را رها کرده است! این شکل از به تصویر کشیدن مادری نه تنها برای بیننده پذیرفته نیست و به آنچه از عواطف و احساسات و حتی تعهد مادری سراغ دارد شباهتی ندارد بلکه شاید آدرس غلطی از زن متعهد انقلابی و الگوی سوم به مخاطب ارائه می‌دهد.

### پدران مهم در «بی بدن»

فیلم «بی بدن» اما در ژانر اجتماعی، در ورای اقتباس

است؛ یکی از نکات ارزشمند فیلم توجه به نقش مردان در ساخته شدن زنان است با این مضمون که برای داشتن خانواده مطلوب و زنان متعهد و مسئولیت پذیر، نیازمند مردان متعهد و تربیت پسران مسئولیت پذیر برای آینده خانواده هستیم.

### سرد و بی روح مثل نپتون

اما آن سوی دیگر طیف فیلم‌های جشنواره امسال از منظر خانواده محوری، فیلم «نپتون» است. روایت زوج جوانی که یک فرزند دارند و هر روز از یکدیگر دورتر می‌شوند، درست شبیه نپتون که دورترین سیاره از خورشید است. سرد و دور افتاده از منبع حیات. نه خبری از عشق و عاطفه است و نه ایفای نقش پدر و مادری مسئولانه. نه روابط زوجی نه تعهد و نه درک متقابل وزن بودن خلاصه می‌شود در آرایش و سالن زیبایی و مسابقه با مردان در کسب و کار، حتی بی توجه به علایق و احساسات خود، در انکار کامل زنانگی حقیقی، خشک و بی روح و خالی از احساس و گویی در حال فرار از روبه‌رو شدن با

زوجی که در ابتدای راهند و به نظرمی رسد آنچه میان آن‌هاست بیشتر فریب است تا عشق، گویی به مخاطب می‌گوید که تنها عشقی حقیقی است که انگیزه و قدرت عبور از مصایب را به انسان می‌بخشد.

### زنان نقش اول

از طرفی «آغوش باز» را می‌توان فیلمی زنانه به حساب آورد و مادرانه‌های فیلم بیش از هر چیز به چشم می‌آید؛ قسمتی که پیام برای خوشحالی مادر بیمارش برای اجرای کنسرت می‌رود و هاتک که در زمان مسابقه با فکر کردن به مادرش زهره، بر ترس و اضطرابش غلبه می‌کند و حتی اعتراض زهره، به نادیده گرفته شدن توسط همسرش، همگی رنگ و بوی زنانه دارند. جالب است که با وجود اینکه رد پای زهره را در همسری، مادری، تربیت و عشق به فرزندانش و حتی در رسیدگی به خانواده همسر در همه جامی بینیم اما خودش را نمی‌بینیم، همگی رنگ و بویی زنانه دارند. هوشمندی کارگردان در نامرئی نشان دادن او تا انتهای فیلم حاکی از شناخت